برای هاشم آقاجری، شوالیه عصر فئودالیته:

بغض معصومانه ما کی می ترکد؟

گزیده‌ای از سخنان سیدمرتضی مردیها در میان جمعی از دانشجویان دانشگاه علامه

کسانی که با نوشته‌های من آشنا هستند، می‌دانند که گفتمام دنیای مدرن، دنیایی است فاقد قهرمان. دنیایی که در آن آزادی به جای زورگویی، و انتخاب به جای اجبار، و عقلانیت به جای ایده‌ئولوژی بنشیند. دیگر دنیایی حماسی نیست و وقتی حماسه نباشد، قهرمان هم نیست. در مقاله مرگ قهرمان - که بعضا مورد سوء تفسیر قرار گرفت - گفتم که چون ما جامعه‌ای در حال گذار هستیم، نباید به کسانی که به استقبال شیوه زندگی مدرن می‌روند و نمی‌خواهند قهرمان باشند، خرده بگیریم. البته هر کسی حق دارد شیوه عمل بعضی از نخبگان را بر بعضی دیگر ترجیح دهد، اما به تمام جریان اصلاح، و جریان روشنفکری نمی‌توان گریز از حماسه و گریز از قهرمانی را محکوم کرد؛ دقیقا همان‌طور که گریز از این گریز را هم نمی‌توان محکوم کرد، به همه باید حق انتخاب داد.

در عین حال، در این سخن تناقض‌نمایی هم وجود دارد: به چه معنا ما جامعه‌ای در حال گذار هستیم؟

پاسخ روشن است؛ به لحاظ اجتماعی. اما آیا به لحاظ سیاسی هم چنین است؟ پاسخ روشن نیست.

در طول دوران موسوم به بازندگی امیدی وجود داشت که مدرنیزاسیون خزنده، مدرنیته را به شیوه‌ای قاچاق درون خود حمل کند. پیارک، برج، اتوبان، فرهنگسرا، کارخانه و امثالهم، شیوه رفتار و پفک متناسب با خود ایجاد کند، و آنچه از در رانده شد - یعنی نواندیشی - از پنجره وارد شود. و البته تا حدودی چنین شد. مطالبات متراکم سیاسی که در قالب رأی به ایده‌های دمکراتیک خاتمی تجلی کرد، بخشی از آن محصول مدرنیته‌ای بود که از پنجره مدرنیزاسیون وارد شده بود. بعد از دوم خرداد نوعی اجماع روشنفکری حکایت از آن داشت که نواندیشی سیاسی و فرهنگی باید از در اصلی وارد شود. باید به صراحت از دمکراسی دفاع کرد. در چنین شرایطی بود که زورگیران سیاسی با شکستن کریاسچی و ترور حجاریان، هم از مدافعان مدرنیزاسیون و هم از مدافعان مدرنیته انتقام گرفتند. از این به بعد، هم جلوی طرح‌های نوسازی گرفته شد و هم جلوی مروج نوسازی - و وزارت ارشاد به عنوان مروج نواندیشی - محاکمه و وزرای آن برکنار شدند. تا مدرنیته نه از پنجره و نه از در وارد نشود، قلع و قمع مطبوعات، دستگیری فعالان سیاسی و به توپ‌بستن مجلس حوادث دیگری بود که از عزم جزم زورگویان سیاسی در جلوگیری از گذار سیاسی خبر می‌داد. در دو سال اخیر به تدریج به نظر می‌رسید که اگر فضای اجتماعی ایران در حال گذار است، فضای سیاسی آن هم در حال گذار است؛ در یک راستا، ولی البته در دو جهت!

جامعه ما در حال گذر از فئودالیته به بورژوازی، از قشایی ارباب و رعیتی به دنیای شهروندی است، اما حکومت ما در حال گذار از دنیای شهروندی به دنیای ارباب و رعیتی و از دنیای بورژوازی به دنیای فئودالی است. اگر این درست باشد، معنای آن این است که اگر از منظر اجتماعی، قهرمانی و حماسه رو به مردن است، از منظر سیاسی رو به زنده‌شدن است. اگر وضعیت ما به گونه‌ای است که «سئوال‌کنندگان غیرمسئول» که مقامی مختص خداوند است؛ سر نخ همه چیز را در دست دارند، و به صرف یک اعتراض بیانی، شخص معترض به عنوان مرتد به اعدام محکوم می‌شود، پس ما به عصر فئودالیته بازگشته‌ایم، و اگر این درست باشد، معنی آن این است که تمامی نخبگان سیاسی ما دن‌کیشوت نیستند. بعضی از آن‌ها می‌توانند شوالیه‌های واقعی باشند. معنای آن این است که برخلاف دنیای مدرن که به انسان‌های معمولی و متوسط - مثل من - نیاز دارد، ما امروز - مع‌الاسف - به انسان‌های بزرگ نیاز داریم، و آقاجری یکی از مردانی است که در دوره‌ای که همه با استقبال از دنیای جدید، متوسط ماندند، بزرگ شد. شوالیه‌ای که یک پای خود را در مبارزه با دشمن خارجی از دست داد، و اینک قرار است سر خود را در مبارزه با دشمن داخلی از دست بدهد، و این البته جهاد اکبر است. جهادی که در آن «فضل‌الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما». اما این تمامی موضوع نیست. ظاهرا قاعدین زمانه ما به کمتر از متوسط هم راضی‌اند. یعنی در گریز از حماسه و پرهیز از تراژدی به «کمدی» رسیده‌اند. لابد می‌پرسید کجای قضیه کمدی است؟ در پاسخ می‌گویم نگاهی به روزنامه‌های اصلاح‌طلب بیاندازید، و از طریق آن گفتمان مسلط نخبگان سیاسی را برآورد کنید. چه می‌بینید؟ خوب! البته هم محکوم می‌کنند. و چه بسا این به آن اندازه کافی جای شکر داشته باشد. اگر آن‌ها محکوم نمی‌کردند. می‌توانید تصور کنید در آن صورت چه خاکی بر سر عالم بود؟ در عین حال، من بر مدعای خودم باقی‌ام که این یک کمدی است.

دقت کنید. تعزیه‌گردان‌های اصلی به صراحت مسئولیت خود را در این کار به عهده می‌گیرند ولی ما دایما آن‌ها را میرا می‌کنیم. کی بود. کی بود. من نبودم: این بازی آن‌ها نیست. بازی ما است!

گفته شده است تروریستی که عامل ماجرای میکونوس بود، بعد از این که همه را به رگبار بسته بود، به شیوه هفت‌تیرکش‌های بازجوی همسر سعید امامی و خیل مشابهان او در کنف حمایت فرمانروایان اسلام‌پناهند، و هاشم آقاجری محکوم به ارتداد و عباس عبدی و حسین قاضیان و بهبوزر گرانبایه و خیل دیگری از مصلحان و مستقیان محکوم به جاسوسی و ... چه‌بسا بودن زیرخاک بر زندگی روی آن شرافت داشته باشد. بحث بر سر اعدام یا لغو اعدام نیست. اعلام این حکم، اعدام شخصیت جامعه ما است. هیات مالاتلذله.

بگذارید مطلب را با نقل قصه‌ای خانوادگی، که به گونه‌ای نمادین حاوی پیشنهادی برای خروج از بحران هم هست - البته با هزینه - به پایان ببرم. برادرزاده کوچکی دارم که به شدت از رفتن به مهدکودک امتناع می‌کند، و این، خانواده را به مشکل دچار کرده است. تنها کسی که از او حساب می‌برد، من هستم. به عنوان راه چاره، پک‌زدند، هر جا که می‌نشستم و او در اطرافم بازی می‌کرد، خطاب به حاضرین مجلس می‌گفتم: هرکس مهدکودک نرود سر و کارش با من است؛ مگر کسی جرات می‌کند حرف مرا گوش ندهد؛ چنین و چنان می‌کنم، به در می‌گفتم که دیوار بشنود، کم‌کم کار به جای باریک رسید و بچه به شدت بغض کرد. چون نمی‌خواستم از من برنجد، آن روی قضیه را کار گذاشتم. این بار خطاب به اطرافیان گفتم: اگر یک بار دیگر کسی از مهدکودک حرف زد و این بچه را اذیت کرد سروکارش با من است. در این وقت بغض معصومانه‌اش ترکید و در حالی‌که بشدت گریه می‌کرد خطاب به من گفت: «خودت هستی». تمام این اذیت‌ها را خودت می‌کنی. تو هی می‌گویی مهدکودک، مهدکودک و الکی تفسیر را به گردن دیگران می‌اندازی!». پرسشی که از خود می‌کنم این است که: با لاخره کی این بغض معصومانه ما خواهد ترکید؟

نیازمندیم. گو این که البته تیغ تحقیر و چاقوی زورگویی اگر بیش از حد ببرد، انسان‌های غیرشجاعی مثل من هم کم‌کم احساس می‌کنند، چیزی برای باختن ندارند.

علی‌رغم این که از گفتمان حماسی و انقلابی بیزارم، ولی نمی‌توانم نگویم که در دنیایی که

سلسله گفتارهایی در باره دمکراسی

ادامه از صفحه ۷

نمی‌دهند، دهها نشریه را به خاطر انتقاد از حکومت بسته‌اند و بسیاری از کتابها را در بند سانسور گرفتار کرده‌اند. با این کارنامه سیاه، حکومت، نمی‌توان با استناد به قانون اساسی‌ای که در آن آزادی بیان مشروط شده است، مقابله کرد. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در قانون اساسی آینده، ایران اهمیت‌کلیدی دارد. منع سانسور باید به طور مطلق و غیرمشروط در قانون اساسی منظور گردد.

ماده ۲۰ - آزادی اجتماعات و حق شرکت‌نکردن در آنها: آزادی اجتماعات در اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی به عدم اخلال به مبانی اسلام مشروط شده است. تاژ، همین حد از آزادی نیز در جمهوری اسلامی رعایت نمی‌شود. در سالهای اخیر وزارت‌کشور بارها تقاضای دانشجویان و سایر گروههای اجتماعی برای برگزاری اجتماعات اعتراضی را رد کرده است. به نظر نگارنده، برگزاری اجتماعات در محیطهای بسته نباید منوط به کسب اجازه باشد، و این امر باید در قانون اساسی تصریح گردد.

ماده ۲۱ - بند یک و دو حق انتخابکردن و انتخاب‌شدن: حق انتخاب‌شدن نیز تنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح نشده است، بلکه اصول متعددی از این قانون، عملا مزبور را نقض می‌کنند. احراز بالاترین مقام‌کشور یعنی رهبری در انحصار فقهاست (اصل ۱۰۹). رئیس جمهور باید مرد و شیعه باشد (اصل ۱۱۵). قانون اساسی از بین شرایط نماینده‌گی مجلس را به قانونی دیگر واگذار کرده است. همه قوانین انتخابات در دوره اخیر، از جمله لایحه‌ای که دولت آقای خاتمی در سال ۱۳۸۱ به مجلس تقدیم کرد، دگراندیشان را از انتخاب‌شدن به نمایندگی مجلس محروم کرده است. تامین بدون قید و شرط حق انتخاب‌شدن به مقامات دولتی، به گونه‌ای که در بند دوم ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است، اساسی حکومت مردسالار است و باید در قانون اساسی آینده، به صراحت مورد تاکید قرار گیرد.

ماده ۲۱ بند سه - انتخابات متناوب و سالم: همراه با حق رای عمومی و برابر و رای‌گیری مخفی به عنوان مبنای قدرت دولتی: این اصل با ولایت فقیه به گونه‌ای که در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است، مغایر است. طبق اصل ولایت فقیه، قدرت دولتی نه ناشی از انتخابات، بلکه در دست کسی متمرکز است که خبرگان دستچین شده، توسط فقهای شورای نگهبان برمی‌گزینند، فقهایی که خود منصوب رهبرند. بدین ترتیب پرسه انتخاب بالاترین مقام جمهوری اسلامی نه تنها با بند ۳ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مغایر است، بلکه بیشتر به روند انتخاب پاپ از سوی کاردینالهایی شباهت دارد که خود منصوب پاپند.

ماده ۲۲ - برخورداری از تامین اجتماعی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: اصول بیست و نهم، سی‌ام و سی و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز این حقوق را پیش‌بینی کرده است. این اصول از نظر نگارنده می‌توانند بدون تغییر در قانون اساسی آینده، نیز گنجانده شود. البته لازم به تذکر است که این اصول در جمهوری اسلامی رعایت نمی‌شود. نه حقوق بازنشستگی کفاف مخارج را می‌دهد، نه آن کارافتادگان تامین اجتماعی دارند، نه حمایت لازم از خانواده‌های بی‌سرپرست به عمل می‌آید، نه آموزش و پرورش رایگان است و نه همه مردم ایران از مسکن مناسب برخوردارند. مشکلات اقتصادی دولت و فقدان منابع و فقر فزاینده، ملی (که خود در درجه اول ناشی از سیاستهای مخرب حکومت جمهوری اسلامی در طول دو دهه است) تنها یکی از علل این معضلات اجتماعی و عدم اجرای قانون اساسی است. علت دیگر، توزیع بسیار ناعادلانه ثروت به سود قدرتمندان غیرپاسخگو است که موقعیت خود را مدیون ساختار غیردمکراتیک قانون اساسی‌اند.

ماده ۲۳ - بند یک حق‌کار، انتخاب شغل، برخورداری از شرایط مناسب کار و حمایت در برابر بیکاری: به غیر از شرایط مناسب‌کار، این اصول در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز پیش‌بینی شده است. اما هیچ یک از این حقوق تحقق نیافته است. میلیونها ایرانی بیکارند. میلیونها ایرانی در محیطهای بسیار مضر و ناسالم‌کار می‌کنند. حمایت دولتی از بیکاران وجود ندارد. این معضلات نیز تنها ناشی از فقر عمومی نیست و می‌توان با پاسخگوکردن کل حکومت و اعمال‌کنترل عمومی بر عملکرد مقامات دولتی، منابع فراوانی را برای حل این مشکلات بسیج کرد.

ماده ۲۳ بند دو - مزد مساوی در ازای کار مساوی: این اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح نشده است و در انطباق با این نقص، میلیونها زن و کودک ایرانی در ازای کاری که می‌کنند، مزد مساوی با مردان دریافت نمی‌کنند.

ماده ۲۳ بند سه - حق برخورداری از مزد منصفی این اصل نیز در قانون اساسی جمهوری تصریح نشده است. کار مولد در جمهوری اسلامی به علت دو دهه سیاستهای اقتصادی خانمان‌برانداز، منشا درآمد منصفی نیست و از سوی دیگر، ضرب استثمار در ایران به علت فقدان حق سندیکایی و اجتماعی بسیار بالاست.

ماده ۲۳ بند چهار - حق تشکل و عضویت در انجمن‌های صنفی: این حق در اصل ۲۶ قانون اساسی پیش‌بینی شده است، «مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند». در نتیجه، دو دهه است که زحمتکشان ایران از داشتن اتحادیه‌های صنفی محرومند.

ماده ۲۴ - برخورداری از استراحت و اوقات فراغت، محدودیت ساعات‌کار و مرخصی با حقوق: جای این اصل نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی خالی است.

ماده ۲۵ بند یک - برخورداری از خوراک، پوشاک، مسکن، خدمات درمانی، بیمه در صورت بیکاری، بیماری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، پیری: این حقوق در اصل ۲۹ قانون اساسی پیش‌بینی شده، است‌که البته به دلایل فوق‌الذکر این اصل اجرا نمی‌شود.

ماده ۲۵ بند دو - حمایت از مادران و کودکان اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز این امر را پیش‌بینی کرده است. این حقوق نیز از جمله حقوق اجتماعی‌اند‌که به علت فقر ناشی از بی‌لیاقتی حکام و غارت منابع عمومی توسط خود آنها و نزدیکان آنان، تحقق نیافته‌اند.

ماده ۲۶ بند یک - تحصیل ابتدایی رایگان و اجباری، دسترسی عمومی به آموزش حرفه‌ای و دسترسی به آموزش عالی بر اساس استعدادها و توانایی‌ها: اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی تحصیلات رایگان را تا پایان دوره متوسطه پیش‌بینی کرده است، اما در طول سالها، آموزش نیز به عرصه سودجویی تبدیل شده است. همچنین آموزش اجباری در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش‌بینی نشده است.

ماده ۲۶ بند دو - این بند مهم اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: آموزش، باید بسا هدف رشدکامل شخصیت انسان و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی صورت گیرد و به تفاهم، رواداری و دوستی میان همه ملل و همه گروههای نژادی و مذهبی یاری رساند. جای این اصل مهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی خالی است. سیستم آموزشی ایران، ضمن القاگردن برخی خرافات و عقاید پوسیده و غیرعلمی، روحیه تبعیت از ولایت فقیه و عدم رواداری در قبال سایر ملل و مذاهب را رواج می‌دهد. رواج شعار «مرگ بر آمریکا» در تجمع‌های دانش آموزی، نقض صریح این ماده اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

ماده ۲۶ بند سه - «در وهله اول، این والدین‌اند که نوع آموزش فرزندان خود را تعیین می‌کنند». این اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح نشده و در ایران نقض می‌شود. به عنوان نمونه، پدران و مادران ایرانی از این حق که برای فرزندان خود آموزش غیرمذهبی را برگزینند، محرومند. در حالی‌که مثلا طبق قانون اساسی آلمان، دانرگان حق سرپرستی یک کودک در مورد شرکت یا عدم شرکت او در کلاس درس تعلیمات دینی تصمیم می‌گیرند. در اصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آمده است استاد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با زبان و خط فارسی باشد، اما استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، درکنار زبان فارسی آزاد است. به جای این فرمولبندی، که باعث شده است در طول دو دهه اخیر نیز مانند دهه‌های قبل از آن، زبانهای محلی ایران مورد بی‌مهری قرار گیرد، قانون اساسی آینده باید پیش‌بینی کند که دولت موظف است در مدارس، امکانات تدریس زبانهای محلی در کنار زبان فارسی را فراهم‌کند تا صاحبان حق سرپرستی کودکان، بتوانند در مورد آموزش دو زبانه فرزندان خود آزادانه تصمیم بگیرند. همچنین اصل شانزدهم قانون اساسی‌که تدریس زبان عربی از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه و در همه‌کلاس‌ها و همه رشته‌ها را اجباری می‌کند، باید حذف شود.

ماده ۲۷ - حق فعالیت فرهنگی و هنری و مالکیت معنوی: این حق نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی جایی ندارد. در نتیجه، تمرکار فرهنگسازان و کارکنان فکری، مورد تاراج دزدان قرار می‌گیرد.کتابها بدون پرداخت حق مولف چاپ یا تجدید چاپ می‌شوند و ترانه‌ها بدون در نظرگرفتن حقوق آهنگسازان و شاعران (تبعیدی یا مغضوب) تکثیر می‌گردند.

حقوق شهروندی و سیاسی

معاهده: بین‌المللی در باره حقوق شهروندی و سیاسی مصوب ۱۹ دسامبر ۱۹۶۶ بدین منظور تدوین شده است که شرایط اجتماعی لازم برای تحقق آرمان اعلامیه جهانی حقوق بشر، یعنی انسان آزاد، برخوردار از آزادی شهروندی و سیاسی و رها از ترس و فلاکت، ایجاد شود. از جمله اصول عنوان اصلی مجزا مورد تاکید قرار گیرد.

۳ - محدودشدن مجازات اعدام به سخت‌ترین جرایم: از نظر نگارنده، در قانون اساسی آینده، ایران صدور حکم و اعمال مجازات اعدام باید مصنوع شود. البته در میان نیروهای آزادیخواه و دمکرات، توافق عمومی در این مورد وجود ندارد. از این رو، شاید بتوان روی فرمولبندی معاهده: بین‌المللی در باره حقوق شهروندی و سیاسی توافق عمومی حاصل کرد.

۴ - رفتار مفاوت با متهمان و محکوم‌شدگان، از جمله نگهداری آنان در اماکن مختلف: این اصل نیز باید در قانون اساسی آینده، منظور گردد.

۵ - جداسازی متهمان نوجوان و بالغ: زندانهای ایران، کلاس فشرده جرم و بزهکاری برای نوجوانان است. از این رو گنجاندن این اصل در قانون اساسی آینده، شاید بتواند گامی در جهت بهبود وضعیت نوجوانان بزهکار و افزایش چشم‌انداز بازگشت آنان به جامعه باشد.

۶ - منع هر گونه تبلیغ برای جنگ، دامن‌زدن به نفرت ملی، نژادی یا مذهبی، تبلیغ تبعیض، دشمنی و اعمال قهر: برای کشور ما و همه کشورهایی که در آنها پناهگاهان مذهبی فعالند، گنجاندن این اصل در قانون اساسی اهمیت حیاتی دارد. این اصل، یکی از مرزهای آزادی سیاسی را تعیین می‌کند. در ایران دمکراتیک آینده، آزادی نیروهای سیاسی باید مسئوط بدین باشد‌که مواضع شوونیستی، نژادپرستانه و حاوی نفرت از مذاهب و ملتهای دیگر نگیرند و دعوت به پیدشستی در آغاز جنگ نکنند. دمکراسی را نباید در برابر نیروها و عناصر ضددمکرات، بسی‌دفاع گذاشت. دمکراسی با شیوه‌های مندمانه خویش، باید جلوی فعالیت این گونه نیروها را بگیرد و تنها در صورتی بدانها آزادی دهد‌که اصل نامبرده را رعایت‌کنند. این اصل نیز باید بخشی لاینفک از قانون اساسی باشد.

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

معاهده، بین‌المللی در باره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مانند معاهده، مشابه در باره حقوق شهروندی و سیاسی، در خدمت تامین شرایط تحقق آرمانهای اعلامیه جهانی حقوق بشر است. اصولی که این معاهده، بر محتوای دو پیمان دیگر (اعلامیه جهانی حقوق بشر و معاهده، بین‌المللی در باره حقوق شهروندی و سیاسی) می‌افزاید، از جمله عبارتند از:

۱ - حق سندیکاها برای تشکیل اتحادیه‌های ملی و بین‌المللی: در قانون اساسی جمهوری اسلامی این اصل وجود ندارد. در قانون اساسی آینده، باید به حق فعالیت سندیکایی به طور ویژه و نه فقط در یک جمله معترضه پرداخت.

۲ - حق اعتصاب: این حق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح نشده است. اعتصاب، موثرترین ابزار زحمتکشان در مبارزه برای دستیابی به حقوق اقتصادی و اجتماعی خود است. حق اعتصاب باید در قانون اساسی آینده، تصریح گردد.

حقوق زنان

در قانون اساسی آینده ایران باید در انطباق با منشور حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان، هرگونه تفاوت‌گذاری، حذف یا محدود دیت اعمال‌شده بر اساس جنسیت در مورد حقوق بشر و آزادی های اساسی در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و غیره، ممنوع شود. اگر چنین شود، به طور خود به خود بسیاری از قوانین عادی در ایران باید برای انطباق با این اصل قانون اساسی تغییر یابد. بدون تامین این حقوق بنیادین زنان، دمکراسی درکشور ما بی معنی است.

منشور حقوق کودکان

این منشور برخی حقوق کودکان راکه در اسناد بین‌المللی دیگر نیامده‌اند، تصریح می‌کند، از جمله عدم اعمال تبعیض در مورد کودکان به اصطلاح «نامشروع». برخی قوانین اساسی مانند قانون اساسی آلمان، با صراحت چنین تبعیضی را منع کرده‌اند. به نظر نگارنده، محدودبودن ابعاد و دامنه این مضلل در جامعه ایران، نباید مانع تصریح این منع تبعیض گردد.

منشور حقوق کودکان مشتمل بر ۵۴ ماده است و علاوه بر قانون اساسی، باید در قوانین دیگری حقوق مصرحه در آن را برای کودکان ایرانی تامین کرد.

ادامه دارد

به نقل از نشریه اینترنتی اخبار روز